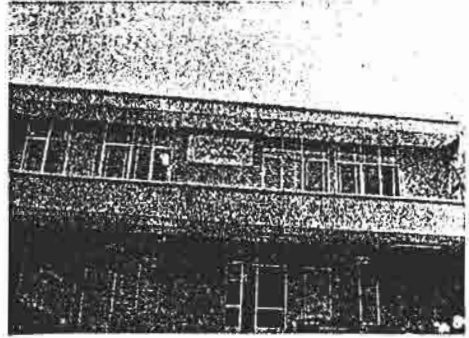


طنین الله اکبر و شعارهای انقلابی، لریزه براندام مرتجعین میاندازد

سپاه شکستخوار سابق سرهنگ "زعمانی" بوری آوردند. لازم به تذکر است که شکستخوار سرهنگ "زعمانی" که فعلاً خود او فراری است. بدینال فتح انقلابی آن توسط مردم، بوسطنه" مجاهدین خلق به یک تکرار امداد بزرگی تبدیل شده است.

استار نیز سا مقومت جواهران و برادران وهم چنین طرفداران سازمان دست عوامل ارتجاع رو نده و محصور به عقب نشینی



کردیدند و اما شرح واقعه: حدود نیمه شب رنگ درب مرکز امداد بارها به صدا درآمد - موقتی که سولیس مربوطه دم درب مراجعه می کنند با عذای صلح روبرو شده که خود را باسدار کشته معرفی می کنند و عذای لباس شخصی نیز همراه آورده بودند - این افراد قصد ورود به ساختمان را داشتند که از طرف برادران ما، حکم دادستانی ناقص می شود. آنها حکمی از کشته" موقت ما

کادسگاه و انقلاب (۷)

وحدت اصولی مبرمترین مسئله روز

تسوی جهت حمله به انقلابیون با تسکت روبرو شد، چرا که وقتی نوددها و اقامت حضور دشمن اصلی را درک کنند هرگز دنبال نوشته های نفرتافکنانه نخواهند افتاد. در اینجا به حق باید نقش وحدت طلبانه و انقلابی دانشجویمان سفیر در لانه جاسوسی را یادآور شد که با تذکرات و بیادینه های روشنگر خود نوشته های نفرت افکنان را در نطفه خفه میگردند، چرا که از نزدیک می بینند که این سخنان بزرگ چه نقشه های شومی برای نابودی انقلاب ما در سر می پروراند است. اینجاست که هر عنصر آگاه و ستمی در هر فکر میسوز و در باره" این سؤال می اندیشد که: اگر وحدت صفوف خلق در مبارزه" ضدا بر ایستایی است مردم و حیاتی که بدون آن پیروزی در این مبارزه بزرگ و زندگی شیر مکن است، چگونه گوهر وحدت را از دسترس تهدیدهای مختلف و شخصوسا" تهدید نیروهای مرتجع حفظ کنند؟

در این نوشته ما در گفتگو با یکدیگر میگویم و از آن رو در نظر میگیریم که دانشجویان به این ساله می- برادریم که نقش حاسن آنها، در بست دادن بمبارازه" ضدا بر ایستایی کشته است و درصن دانشگاه آئینه نام نای تفاهد های گوناگون اجتماعی و صحنه برخورد نیروهای متفاد است و لطفاً اگر در آنجا موفق شویم در جهت اصولی را پایه گذاری کنیم، این جبران در صفوف خلق ممکن شده و لطیفنا" وحدت ضدا بر ایستایی افکار و طبقات مختلف خلق شکل خواهد گرفت. در ضمن لازم به یادآوریست که در این گفتگو هیچگاه کارها گفتنیام در درجه اول روی سخن ما دانشجویان انقلابی و در آن را سخن آنها" پیروان سوحدت ناب" است که به دلیل ماهیت کاسطی و انقلابیانشان پیش از هر سزویی رند خود را در گرو نردن اصولی انقلاب و در این مرحله تداوم مبارزه" ضدا بر ایستایی می بینند و بنا براس پیش از همه سنگینی مسولیت

سازختمان را شکسته و چند نفر از خواهران و برادران را نیز مجروح می سازند. دست یکی از برادران در میز خورد و سروجانه ولت سخن دیگر زخمی می شود، و چون حال این افراد خوب نبوده به اورژانس اطلاع داده می شود ولی افراد کشته اورژوو برخی مردم محل نیز به پشتیبانی آنها و اعتراضی به اقدام غیرقانونی کشته های مجبور با آنها همراهی می کنند. که افراد کشته در مواجهه با مقاومت افراد ساختن، گاز اشک آور به سمت آنان شلیک می کنند که از شدت و فوری گاز خود نیز محصور به عقب نشینی می گردند. و چندان از خواهران و برادران ما نیز به حال آنها می افتند که توسط خواهران پرستار مدافا می شوند و دیگران هم چنان به مقاومت ادامه می دهند. عذای از طرفداران سازمان که در جلوی در اجتماع کرده بودند به همراهی با افراد داخل می پردازند و شعارهای الله اکبر و ضد امبرکالی می دهند. افراد کشته که تا اینجا کاری از پیش نبرده بودند، حدود ساعت ۴ با امداد اقدام به آوردن افراد آسین و اوباش که در طول چند ماه اخیر و بخصوص این نگاه آخر در جلوی لانه" جاسوسی شاهد تهاجم، تفرقه افکنی و فحاشی های آنان بوده ایم، می سازند.

در این جریان ۸ نفر از افراد طرفداران توسط همین افراد محصور شده و آنان اقدام به خراب کردن دیوار پشت ساختمان توسط باشتنی می نمایند. ولی بلافاصله با صف حکمکر از دیوار مردم طرفداران که بازو نشان را در هم کرده بودند، بواجه می شوند. و در نتیجه دست به حمله با جوب و سنگ می زنند و تعدادی از تشنه های

ساختن شروع به گفتن تکبیر کرده و همراهم صلح ارائه می دهند، موضوع ماموریت بازرسی و در صورت لزوم بازداشت افراد منزلی در خیابان بهار - خیابان نامجو" بوده است. زیر حکم امدای انتظامات کشته مرکزی" با آدرس - مجلس شورایی وجود داشت. اما برادران مقول با استناد به اطلاعیه دادستان، مندرک می شوند که حکم باید از طرف دادستانی باشد و در ضمن حکم شا

نیز مربوط به این محل نیست. در این موقع افراد کشته در مقابل اظهارات فوق، در کوچهای اطراف ساختمان موضع گیری کرده و اقدام به بستن خیابانهای اطراف می نمایند. و شروع به تیراندازی می کنند، که در همین موقع اکب هائی از سپاه پاسداران منطقه ۴ نیز به محل می آیند ولی آنها هیچگونه تیراندازی و تفرقه افکنی نمی نمایند و بدینال این جریان، خواهران و برادران از داخل



یکی از برادران که در حمله به مرکز امداد مجاهدین مصروف شده

تبریک

به مناسبت تولد امام محمد باقر (ع) روز یکشنبه ۱۴ آذر ماه با سالروز تولد یکی دیگر از پستوایان مکتب سرخ تشیع یعنی امام محمد باقر است. و رهبری که در تمام طول زندگانی پرفراز و نشیب یک لحظه از ابدیت راهائی تمام انسانها از قید و بندهای شرک الود زمانش فارغ نبود. سالروز تولد این فرزندان نبوی و مندمکتب ما را به تمام یونسندگان و اهلس تبریک متکوئیم

تحمل نمیکنند. ۲- "وحدت به واقعیه بوشی بر انحصار طلبی" و شعار واقعی این نوع وحدت طلبان اینست "هرگز آنجا که من میگویم بدون چون و چرا نباید نیکنند بر علیه من است" این نوع وحدت طلبی در واقع عمیقترین نوع تفکر طلبی در لایه وحدت است، چرا که به این ترتیب هیچ جایی برای حرکت کردن و در کنار هم بودن بر پایه نگاه مشترک باقی نخواهد ماند. اگر چنین اندیشه ای محور قوی برخورد نیرویی با سایر نیروها باشد هیچ جایی برای وحدت باقی نخواهد گذاشت. ۳- "وحدت بمنوا عاملی جهت مخفی نگهداشتن تضادهای طبقاتی" یکی از مشکلات طبقاتی است که هرگز نیست که پس از مدتی مستضعفین و استثمار شده ها به اختلافات ریشه ای خودشان با استثمار کننده ی دیگر، چرا که این آغاز نبرد کارگر بر علیه سرمایه دار، رعیت بر علیه فئودال سرمایه دار و برده بر علیه برده داران است. به همین دلیل سرمایه داران همیشه تلاش می کنند از نوع موضع از وحدت بزنند، این چیزی جز یک خلط سحت برای تحمیل تودماغ و جلوگیری از ارتقاء آیدئولوژیک آنان نیست، همچنانکه انقلابیون طرفداران

مرکزی تحول می دهند. در کشته مرکزی آنها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و سپس به مرکز سپاه پاسداران منطقه ۴ تحول می دهند که از آنجا آزاد می شوند. در تماس با یکی از مسئولین سپاه پاسداران، آنان ضمن برخورد



"برای محشم" ساواکی شاخته شده، که در روزهای محاصره و اشغال ساد مجاهدین در اطراف ساد و بویزه در میان به اصطلاح "حزب السیها" !! آنها را بر علیه مجاهدین تحریک می کرده و می گفت اینها ضد انقلابند و باشتی ساختمان را که متعلق به مردم است، از اینها گرفت - جالب است که این آقای انقلابی جدید ۱۴ در یک جلسه خصوصی تحلیل می کرده که بزودی وفیعت ایران طوری خواهد شد که مردم بگویند "مرگ بر خبثتی"

استولانه با جریانات و اسپر از تأسی از آنچه پیش آمده بود، اظهار داشتند که ما برای ارفقت در محل آدمه ام و چنانچه خود شا تشخیص بدهد از اینجا خواهم رفت. و در مورد اقدام افراد کشته گفتند که آنها به دنبال یک زمان که قصد داشته است در ساعت ۱۱ شب از بانک سرت رفت کند بوده اند، و گزارش داده شده بود که زبان مزبور به این خانه آمده است و بهم چنین گفتند که ما حرمان را تعقیب و دنبال خواهیم کرد تا ببینیم ریشه آن در کجاست. در ضمن خواهران و برادرانی که به منظور حمایت از ما و پاسداری از ساختمان آمده بودند، موقع آنان صبح در حالی که دو دسته شده

پیام تنبیهت مجاهدین خلق ایران

نضکران انقلابی شرکت لاوان

و این اقدامی است مردمی و اسلامی که باشتی سرشنی شام کارگران و کارکنان دلیر وطن باشد، به این ترتیب شما به نای امام خمینی که راهله آمریکا ما را "راهله قائم با معلوم" توصیف نموده به بهترین صورت پاسخ داده و در مدد نفع چنین روایه بیهرکشته ضد اسلامی و ضد خلقی در محیط کار خود برآمدید.

درجه اول به سراغ شناخت جبهه های مبارز دارند و سدهای تکامل خواهم رفت و مفهوم آزادی را در مبارزه" با این اجارات و در حرمان خروج از آن جستجو خواهم نمود. در آن صورت هر عاملی که بتواند ما را در مبارزه با عوامل بازدارنده باری کند به خدمت آزادی ما در خواهد آمد. قبل از اینکه مفهوم وحدت را ما توجه به ریشه ها و ضرورت های اجتماعی آن بررسی کنیم یادآوری می کنیم که هرکجا صحنه از افکار و طبقات اجتماعی میکنم منظور ما بوده های هستند که در روابط و مناسبات هستند که - اجتماعی و مزه ای فرار گرفته اند. مثلا" در زمان ما کارگران، کارورزان، سایر زحمتکشان شهری، و ... جزو افکار و طبقات اجتماعی هستند و همچنین هرکجا که از نیروهای اجتماعی سخن میگویم منظور ما نهادهای سیاسی مانند احزاب و گروه های می باشد که بر پایه معتقدات اند. و ایدئولوژیهای منحص می شوند. برای اینکه درک ضرورت های اجتماعی و جدت برایمان روشن شود به یک سواد ساده پاسخ می دهیم: آیا قبل از سقوط دیکتاتوری می شد که مسر مبارزه با استبداد از وحدت با سرمایه داران بسیار بزرگ وابسته و عناصر دربار صحنه کرد؟ هرگز! دقت

بودند یک دسته نماز جماعت برگزار کرده و دسته دیگر به محافظت پرداخته و سپس دسته دیگر به اقامه نماز پرداختند. روز جمعه نزدیک مغرب آفتاب سجده حدود ۳۰ نفر از رجاله ها و اوباش های معلوم الحال که از طریق



"برای محشم" ساواکی شاخته شده، که در روزهای محاصره و اشغال ساد مجاهدین در اطراف ساد و بویزه در میان به اصطلاح "حزب السیها" !! آنها را بر علیه مجاهدین تحریک می کرده و می گفت اینها ضد انقلابند و باشتی ساختمان را که متعلق به مردم است، از اینها گرفت - جالب است که این آقای انقلابی جدید ۱۴ در یک جلسه خصوصی تحلیل می کرده که بزودی وفیعت ایران طوری خواهد شد که مردم بگویند "مرگ بر خبثتی"

رها خانم ا ا تهییج می شدند در محل ساختمان امداد بزرگی مجاهدین جمع می شوند که در فضای طسن الفکر مجاهدین انقلابی هواداران مجاهدین قربانها و داد و بمداد های لیبنتان محو می گردد، بنجارها، مانند بیروسکهای کوچک شده، فطنامه ای را که سراسر فحش و نعت به انقلابیون راستین بود قرائت کرد و با سلمه نازی خواستار اجزای فطنامه ا ا عدانقلابستان در اوج مبارزه" ضدا بر ایستایی طلعان گردیدند. که نهایتا" با صحنه های یکی از برادران دانشجو پیرو خط امام متفرق گردیدند - تا در جایی دیگر در فرصتی دیگر اعمال ارتجاعینان را انجام دهند.

پیام تنبیهت مجاهدین خلق ایران

نضکران انقلابی شرکت لاوان

و این اقدامی است مردمی و اسلامی که باشتی سرشنی شام کارگران و کارکنان دلیر وطن باشد، به این ترتیب شما به نای امام خمینی که راهله آمریکا ما را "راهله قائم با معلوم" توصیف نموده به بهترین صورت پاسخ داده و در مدد نفع چنین روایه بیهرکشته ضد اسلامی و ضد خلقی در محیط کار خود برآمدید.

در این مثال ساده نشان میدهد که در جریان مبارزات اجتماعی در هر مرحله ای ویژگیها و مرحله خاص حرکت جامعه تمسین کننده" افکار و طبقاتیت هستند که می توانست در صف واحد بر علیه دشمن واحد به مبارزه متحد بپردازند بنابراین: آنچه مشخص می کند که هر افکار و طبقاتی می توانست در مبارزه وحدت داشته باشند، ماهیت اقتصادی - اجتماعی آنهاست. مثلا" در انقلاب هرکجا صحنه از افکار و طبقات اجتماعی میکنم منظور ما بوده های هستند که در روابط و مناسبات هستند که - اجتماعی و مزه ای فرار گرفته اند. مثلا" در زمان ما کارگران، کارورزان، سایر زحمتکشان شهری، و ... جزو افکار و طبقات اجتماعی هستند و همچنین هرکجا که از نیروهای اجتماعی سخن میگویم منظور ما نهادهای سیاسی مانند احزاب و گروه های می باشد که بر پایه معتقدات اند. و ایدئولوژیهای منحص می شوند. برای اینکه درک ضرورت های اجتماعی و جدت برایمان روشن شود به یک سواد ساده پاسخ می دهیم: آیا قبل از سقوط دیکتاتوری می شد که مسر مبارزه با استبداد از وحدت با سرمایه داران بسیار بزرگ وابسته و عناصر دربار صحنه کرد؟ هرگز! دقت

(ادامه دارد)

فشار ته مانده های فئودالیزم بر زحمتکشان روستاهای فارس

یکی از دهقانان را بقصد کشت می زند و بعد از بیهوشی در توبله زندانی می کنند

ساکن یکی از دهها روستای فارس است. این روستا با ۲۲ خانوار معیار و تعدادی سخیس که بطور متوسط ، ماهانه هر خانوار ۶ تا ۸ نفر سینه را در اولین برخورد روستاهای سینه رزم شاه را تداعی میکند. برآآی ایزی فئودال بزرگ سینه و آبی برهن به هدف اولیه اصلاحات ارضی (اگر بگویی) گرفتن آنگردهای تمام آرتوهای روستایی) حاکمیت خود را بیدارتر میسند و با کارهایی از قبیل ساختن یک خانان دوطرفه با نصب چراغهای میثانی در آن، مرکز ده را همچون بلوار جلوی ویلاسیون در شهر درسی آوردن شا را وقت مسخاوری سر می هم سینه جتی مرکز حاکم فئودالین برده ، میسارن را خیارن کنی شده سدرونا مایشن آخیرین مدلتی در حالی که اسفانی در حلقه عقب آن سینه میکنند و بی تازند از صف روستایان بارهت ما سنسد - روستا مردم دید کاترا و مدرسه های مبارک به برای این است که خود را در برابر زحمتکشان روستا ، اسادوست معرفی کند. بر برای آری آن وی بعنوان مطهر مظلوم و ستم خاسته است او میسواختن آس نیل کارون در خطر بیت سیز نشانی سندی هموز خودتی، فردی سندی سندی جلوه خودتی.

در حالی که روستا، اطهری شیر رده دارد ، اسوادوستی سناست فئودالی در آن همچنان حفظ شده است. امالی این روستا را که ۲۵۵ هکتار زمین قابل کشت دارد و ۳۲ فئات "سنان" و "مقران" و "خوربان" اساده میکنند. سنان به دو دسته خستبرگ:

- ۱- خوش ششهای بدون زمین.
 - ۲- دهقانان فقیر و بی حق.
- ۱- خوش ششهایی که سنان را اصلاح کرده اند. دهقانان فقیری بودند که بعد از اصلاح اصلاحات سنان جالی تر و فقرات شدیدتر و طمأ کشتن از سطنهایی موجود همین بود. در جریان تقسیم اراضی به اکثر دهقانان زمین نرسید. بیشتر آنها هم که فطه زمینی مایهشان شد در اثر شورشها کالبدشان کتاوروی و بازخوران سخی و ماستران و کدخدایان میسور به بی زمین خود شدند. از آن پس تعداد خوشششهایی امایش یافت و این عدد از مردم ده هموز بزرگ روستایان سراسر کشور آزاره" شیرهها شدند. اما هرچند که فقر خوش ششها محظور بود و با اینکه زمین و آب و ... بر سرک آگاه و مفاوض از دیگر روستایان میباشد.

در مدان ، سینه جلوی چشم زن و مرزداستان غلای مزدند و با آثارنا کرسه و تشنه در طوله زندانی میگردند. روستایان اگر چه قدرت نام داشتند ولی با هر سرکویی کینه و غرضان اوج میگرفتند. فریبکی از این شکسته ما را و سمنها را به سینه کشت میزدند و بعد از سپهرتی او را در فئودالی زندانی میکنند. حدود ۲۰ روز بعد در اثر شفقتی از گرسنگی میرد.



مخروم ، حتی از ابتدائی ترین حقوق پرستیم شناخته شده

روستایان سنان ۲۲ خانوار رعیت در روستا به هر خانواری ۱۸۰ هکتار زمین میدهند. بنابر این باید روشن شد که فئات که روستایان از یکطرف روستایی

به روستایان نمیسارند حتی از ۲۲ خانوار رعیت در روستا به هر خانواری ۱۸۰ هکتار زمین میدهند. بنابر این باید روشن شد که فئات که روستایان از یکطرف روستایی

فئات سنان و مقران و خوربان اساده میکنند. سنان به دو دسته خستبرگ:

- ۱- خوش ششهای بدون زمین.
- ۲- دهقانان فقیر و بی حق.

علل کاهش تولید در صنایع کشور

آن داعیه های اسلام پناهی و مستضعف خواهی چه شد؟

کشف شده است بؤد این ساله است کتک ۱۱۵ میلیون تومانی به کارخانه تولیدی آلومینا ، برادخت و امیا، بدون سوره با حجم نزدیک ۱۵ میلیارد ریال و وام ۵۰۰ میلیارد ریالی بدون بهره از جمله موارد حمایت های مالی دولت از بورژوازی وابسته در ایران است. حتی اخیراً شورای انقلاب پرداخت حتی ملبارد ریال وام جدید به کارفرمایان برای ایجاد سکن کارگران را تصویب کرد ، که با توجه به معانی بودن زمین شخصی میشود که دولت از هر پنهانی برای کتک به کارفرمایان اسفاده میکند. بنابراین معلوم میشود چرا کارفرمایان باز سخن از توقعت به مالی میکنند؟

۳- مدیریت: مدیریت که فلا" بر صنایع اعمال میشد بطور انحصاری از آن کارفرما بود. بعد از پیروزی قیام شرایطی بوجود آمد که به حاکمیت انحصاری کارفرما سره وارد شد. نخست بخاطر شکل گیری و بوجود آمدن نهادهای شورایی در کارخانجات و فعالیت گسترده کارگران در جهت احقاق حقوق معضلمشاهان در زمینه مدیریت (و سایر مسائل منفی سیاسی) و اداره کارخانجات.

مدیریت ملی شدن (ملی به معنی معارف و به اعتبار بازرگان رفتن قدرت حاکمیت نوده ها از آن بعضی از صنایع و شرکت سازمان دانی در مدیریت بخشی ملی شده در مقایسه های کارگران که موجب کاهش ماکتس منطقه کارفرماها در بخش خصوصی شده است.

مدیریت بود خط کارفرما در ارتباط با سرمایه و حلی که در کارخان خود قابل اتالی میشود ، و بر صد عنوان شده یعنی ۲۲٪ از موضع کارفرما و منافع و مصالح او مطرح گردید. در صورتیکه اگر مدیریت مردمی (شوراهی) بر کارخانه اعمال گردد یا آنکه بواسطه عدم تجربه سکن اسد با کاهش تولید بوجود آید ولی به هیچ عنوان به میزان فوق نرسد - همانگونه که شوراهای در بسیاری از کارخانجات ثابت گردید که با کنار زدن کارفرما یا عوامل ضد کارگر مستوانند به بهترین وجهی مدیریت کارخانه را اعمال نمایند.

۴- کمبود بودنی

با توجه به خیل عظیم کارخان (طبق آمار سال ۵۵) ۹۷۰۰۰ نفر حصیت فعال حدود ۸۵۰ هزارنفر بکار دارند. آمار بزرگان در صنایع قیام با توجه به رکود نسبی در دوره اشغال بعضی از شرکای ملی و تعطیل بعضی از شرکای ملی و اقتصادی مثل پروژه طراحی تل - هلیکوپتر و با مرکز انرژی اتمی در ووشیر و اسلحه بطور بزرگ رسمی تا ۳ میلیون نفر برآورد شده است.)

سختی از کمبود پرسنل ادعای بیست سخن ، اما اکثر کارفرمایان آن بیست پرسنل سخن میگویند به علت این است که اولاً - خواستار بازگشت مجدد کارگران و مشخص خاسری هستند چرا که در زمانی کوتاه مدت ، افزایش تولید میشود و ثانیاً - مشکلات کارگران ایرانی مثل اعصاب

تأثیر ادعا کرده اند که "در ساختن تعداد زیادی شرکای مختلف بدست آمد... در این رابطه لازم است توضیح بدهیم که شرکای فوق تماماً نسخهای فتنهناست معاهد و اعلامیهها و شریات سازمان است که در همهجا قابل رویت و خرید می باشد.

البته پاسداران ضمن مذاکرات خصوصی و برطبق گزارشی که به آیت العالیتهای داد میوردند مدعی بودند که در ساختن و با در ساک افراد اعلامیههای گروه فرقان بدست آمده که گویا در این حد انصاف فرخ داده اند. اما ادعا در اظهارات رسمی است که مطرح میکنند چرا که کذب محض بوده.

در رابطه با این موضوع سازمان ما ناچار مجدداً اعلام می کند از همان موقعی که گروه فرقان و عملیات آن (که در هر مورد قاطعانه از طرف سازمان محکوم شده) مطرح شد برخی از محافل و عناصر وابسته و ارتجاعی کوشش نموده اند که به نحوی از آنجا گروه فرقان را به سازمان مجاهدین نسبت و ارتباط دهند. سازمان بر اساس اطلاعاتی که از این تلاشهای ارتجاعی بدست آوردیم در مورد مکرر برای خشی کردن این توطئه از

اصلاحات شاه انوائست زمینه های شورش در منطقه و از این ببرد در سال ۲۵ این فئودال حلیه ناره ای بکار میبرد ، به این ترتیب که از یکطرف روستایان میگوید "سوزم و از زانداری سواخوم اختلافات چندساله ، مارا با منامحه حل و فصل کند" و از طرف دیگر با تحریک و رشوه برداری به زانداری آنان را به جان روستایان میبرد. آنها نیز سرد ورن و سپرو جوان را تا حد بزرگ کتک میزند ، همانگونه که شکایت نام روستایان به استناد وقت منکبات این حمله حتی منجر به سخط جنس زبان و زندانی شدن جوانان و متواری شدن گروهی از اهالی میشود.

در حال افسند قطعی زمین رعیتیهای سیمان به آنها داده میشود. به موجب سند شماره ۱۲۰۷۲۲/۱۲۲/۱۲۲ از زمینهای متروک از فئات خرابان ۷۷ هکتار و ۱۶۰ زمینهای متروک از فئات سیمان ۳۸/۵ هکتار (مجموعاً ۱۱۶ هکتار) در تکتل زار زمین قرار میگیرد. در حالی که حق زار زمین بر طبق قوانین مرحله دوم اصلاحات ارضی ۱۶۰ هکتار بود. چون این فئودال ۷۷ هکتار زمین سیمان و روستایان داده بود ، دهقانان برای حقوق اصلی خود که همان مایه - التناز ۱۶۰ و ۷۷ هکتار بود (۸۳ = ۲۷ - ۱۶۰) مجبور میگردند. (ادامه دارد)

اطلاعیه توضیحی مجاهدین خلق ایران درباره هجومهای پاسداران به اعضاء و ساختمان مجاهدین خلق ایران

این لحظه ما در دست داشتن تعدادی از شریات سازمان غلام خروج از ساختمان بودند مدارک و توضیح سائل نشست. پاسداران ضمن صحبت اظهار داشتند که ما متوجه سوزاندن مدارک در ساختمان شده ایم که برابر ما ضمن یادآوری همان خطرات و

فرمایشات اخیر امام در همین مورد (مدکور در روزنامه های روز چهارشنبه) به پاسداران مذکور اظهار داشتند که ما توجه به خطرات و تهدیدهایی که از طرف ضدانقلاب و عناصر متکوک و استکبان امپریالیسم متوجه سازمان می باشد ما حق بدیدیم که با صرف همین حکم گئی نمی توانیم اجازه بازرسی از اینجا را به شما بدهیم و خواستیم که شما با حکم داد - ستانی به اینجا تشریف بیاورید لیکن پاسدارها بدون توجه به این توضیحات متوایل بروز شده و شروع به تیراندازی های بی در پی نمودند. البته در این موقع پاسداران دیگری نیز به تعداد اولیه اضافه شده و علاوه بر مقابل ساختمان از پشت باهما نیز تیراندازی می کردند. این تیراندازی که در مقابل آن برادران ما با بگ تکبیر سر داده بودند سخر ماجتماع گروهی مردم در محل گردید.

تهدیدهایی که متوجه سازمان می باشد و برخورد غیرمسئولانه پاسداران در این مورد توضیحی لازم را داده و آنان را نسبت به این امر روشن نمود. و سپس از آنها دعوت کرد که در یک محیط دوسوانه از تمام قسمتهای ساختمان بازدهی کنند لیکن پاسداران به بازدهی از طبقه اول ساختمان اکتفا کرده و آنجا را ترک نمودند. متأسفانه هنوز نسیامت نگذاشته بود که عده دیگری از پاسداران به محل مراجعه کرده و با تهدید و ضمن



تهدیدهایی که متوجه سازمان می باشد و برخورد غیرمسئولانه پاسداران در این مورد توضیحی لازم را داده و آنان را نسبت به این امر روشن نمود. و سپس از آنها دعوت کرد که در یک محیط دوسوانه از تمام قسمتهای ساختمان بازدهی کنند لیکن پاسداران به بازدهی از طبقه اول ساختمان اکتفا کرده و آنجا را ترک نمودند. متأسفانه هنوز نسیامت نگذاشته بود که عده دیگری از پاسداران به محل مراجعه کرده و با تهدید و ضمن

گسترش تحریکات دست راستی علیه مجاهدین

مجاهد خلق را می توان گرفت، به بند کشید، زندانی کرد، شکنجه نمود، به گبار مسلل بست، اما نمی توان او را از اصول و آرمانهای انقلابی توحیدی اش منصرف نمود.

کفتم که جبهات راستگرا در شرایط کنونی در خط ایجاد جنگ داخلی و خنثی نمودن مبارزه از دست اصلی خدایاری انقلابی تکیه می کنند. یکی از نیروهای کلان در بهاد کردن این هدف بزرگ ارتقاء بر استفاده قرار گرفته، عملیات ابتدایی بر ضد نیروهای انقلابی به منظور بستن آوردن و خنثی کردن آنهاست. انکار یکی از مباحثی صورت می گیرد. در نخستین قدم با تبلیغات دروغ و مارک زد و تمهید تراشی و خلاصه بدبین ساختن مردم شروع شده، سپس وقتی مردم از انقلاب خون جدا کردند. در محرت توانایی در جهت قطع و تم نیروهای انقلابی و سرکوب آنها قدم به می بردند. البته گذشتن از روی ضد انقلابیون حان برکت آنتیپان هم برای مرتجعین ساده و آنان نیست.

ارتجاع وقتی در این مسیر جلوتر برود، حتی از طغای زرم و عوامل ساواک نیز سگ براحتی آمده قرار گرفتن مجدد و سازمان یافته در خدمت آنها هستند - کنگ خواجه گریست.

این ترتیب امپریالیستیک که برای امپریالیستهای نیروهای رادیکال و انقلابی با اصطلاح انداختن تحولات در سر آرام، یک سیاست جدید در سطح جهانی در پیش گرفته بودند. بهترین هدف ستارگان خود را برای استقرار مجدد و به سازش کشاندن کل سیستم ارتجاع داخلی می باشد.

آیا وقتی در هر کانون نظرات مبارزات و مبارزات ضد امپریالیستی تمام مطالب انگلیس استانی و مالی و جرمی خود را نسج می کنند علیه مجاهدین دست به تحریک بزنند و بجای فشارهای ضد امپریالیستی تمام "مجاهدین را خاک و خون می کنند" سر می دهند و بجای خواندن برچم آمریکا، نشریه مجاهدین را آتش می زنند و ... آیا این سازش نیست؟ آیا در شرایطی که به گفته آقای بایستی همه تفنگها و لیبها را بسوی آمریکا نشانه روند، مدارک بنام پاسدار تهیه شد، به عرک مجاهدین مسلحانه حمله می کنند و با تیراندازی و بر تپان گاک انگار و به مسلسل بسن ساختمانها و تخریب و قتل موارخان و برادرانشان عملاً با دشمن اصلی می گردند، چه کسی سود می برد؟ جز امپریالیستها و افرادی داخلی آنها؟

روزی نیست که اعلامیه با جزوهای در جهت تحریک مردم بر علیه سازمان منتشر شود!! آیا عناصر مرتجع فاشیت و جفاقتداران حزبه که مدتی است جلوی سفلت استقرار یافتند و از صص تا حد و توجیح نیشی و فحاشی و حملات جنون آمیز بر علیه موارخان و برادران ما در آخا روای می دارند، مبارزه ضد امپریالیستی می کنند و با بسود امپریالیست ها آتش منصرف می زنند؟ چرا اگر حلات مکرر ارتجاعی علیه مراکز ما جلویگری می شود؟ چرا مسئولین این اعمال دشمن شاکس می گردند و مجازات نمی شوند؟ آنها موارخان اینقدر خداریکند دشمنان که پشتی قبل از آمریکا به سراغ آنها رفت؟ آیا اجازه ندهید قستی از اظهارات یکی از ستولان پاسداران را که در جریان حمله مسلحانه به یکی از مراکز ما (واقع در بوسنیاداد) بیان داشته "میبا در اینجا صلح نسائیم: ..."

یکبارید برایتان بگویم، در سیه آنقدر که به فاشیست دانه به جنبیگریهای فحاشی ندانند، ندانم نتیجه شده اند یا نه؟ یا در رک بگویم، آنقدر آن بیجهت حساسیت دارند به سازمان، عداقتا می کنند می خداختد می کنند، یکبا یکی آنتوی کلمه می سازند، یک چیزی دلیل شود... چه بخواهم چه نخواهم، آن سبستی در هر انتظار نسائیم، آن داری به می یابد، من حرب المکتب نسائیم، من قول بهشامی می دهم... من قول نرف به شام می دهم، الان آن ساله پیش آمده، خوب ما می گذاریم پیروم، تا دیوه دیگر امتثال من می گذارند می یورند نسائیم، ولی طوری می گوید "مظ طوری پیش می رود که از در زمان طایفه یک خانه نسبی را، با یک جای جزئی را که می خواستند بگیرند، به نفر ساواکی

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید، ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده، در حال تکوین است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست فیهیده است، ولی یکی هست جرمی چهره حالی این نیست، توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک آتشده یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستید، بدانید آن موقع زمینه را

فد امپریالیستی و شمارهای گرم و زنده کننده، جلو سفلت برمی خاست خیری نبود. از دوهفته پیش به این طرف برخی عناصر متعصب خلق نظر می نمایند که محور کارشان ضدیت با مجاهدین است. آنها هیچ امپریالیست علیه مجاهدین فریاد می کنند و گاه به طرز جنون آمیزی رکیکترین نیتها و نیتها را نشان می نمایند. در دستخورد دیگری جزوهای نام "صاحبا سید احمد هاشمی زاده در باره سازمان مجاهدین خلق ایران" بود که نوشته در آن مدعی شده "فلا" "فلا" "فلا" کافر بزرگ سازمان مجاهدین بود و ولی آنکس شرمه شده که آن در براس و محافل عمومی نظر نماز جمع و اجتماعات جلو سفلت کردند رده نوسان نیز با همان شوهرهای موارخیهانانه دوباره به تکرار مکررات و ملامت کردن همان مبارکهای آبرومیزی "مارکسیست مسلمان سا" و "انقلابی" پرداختند. کتابهای تیز و کوهن مستوری که بر ضد مجاهدین نوشته شده بود دوباره به بازار آمد و بعضاً تحریف چاپ گردید. عناصر و احزاب دست راستی با استفاده از

عوارض گسترش سازمان انقلابی و تحلیل آن (مستأخر)

فابیسیم دیدگاه و برخورد اصولی در این مورد چیست؟

در هفته قبل، راجع به مساله ای که بوسیله یکی از وابستگان سازمان مجاهدین یعنی (محمد متحذین) ایجاد شده بود، ویرامون برخوردهای گوناگون نیروهای مرتجع و افرادی که برایشان شبهه ایجاد شده، برخورد بعضی از هواداران طالبی شان گردید. در آخر اشاره ای نیز به مساله موارخ گفتمی سازمان انقلابی شد. در هفته قبل به نوع برخورد ما این مساله اشاره گردید. اولاً به شرح تیز دیگری از برخورد ما این قضیه می پردازیم.

۳- برخورد اصولی: حال که مجاهدین کمی و شرکعت هر چه بیشتر افراد در سطره که امر ضروری است، چگونه باید با اشکالات مختلف آن بخصوص اشکالات احتمالی افراد وابسته برخورد کرد؟ پاسخ این سازمان را در محواری زیر بطور مفصّل نوشته خواهم داد. الف - استوار کردن چهارماری

تشکیلاتی و شخصی کردن دقیق سلطه مراتب افراد در رابطه با سازمان و جدی صلاحیت آنها بطور ناطق و وحدت سازمانی که به یک سازمان کفشی دست بزنند، گزینی ندارد جز اینکه در مرکز خود عاری عناصر با کیفیت سلطوب و برخورددار از وحدت ایدئولوژیک و تشکیلاتی این سازمان باشد. عناصری که تحت عنوان اعضای سازمان شخصی می شوند، کسانی هستند که آموزشهای لازم را دیده و در دوران سلطوبتیه تشکیلاتی و مبارزه اجتماعی پرورش یافته اند و بدین ترتیب صلاحیت آنها در جریان مبارزه محرز شده است.

البته خود این اعضا نیز در داخل سازمان، در طبقه و مدارهای متفاوتی قرار می گیرند که متناسب با درجه صلاحیت ایدئولوژیک تشکیلاتی آنهاست.

خارج از این مرفعات و شخصی سمپاتها، وابستگان و طرفداران سازمان قرار می گیرند که هر یک به سزایی که از حوزه عملکرد مرکب سازمان و کنترل دور می شوند یا سزایی که از خطوط سازمان بیرونی کتبی دارند، وحدت ایدئولوژیک تشکیلاتی آنها با سازمان تضامی می یابد و همین جهت متوانند فعالیت هنوز نتوانستند) در سازمان حل شده و تابع ارزشهای آن گردند.

انگازات خود در سراسر کشور سلطوبتیا نسخه از این اعلامیه ها و جزوات را تکثیر و میان مردم توزیع کردند. از نردی که کتاب "انقلابی" صاحب سازمان مجاهدین خلق" افتاد، بر ضد امپریالیستها و فاشیستها و در جلو سفلت سابق آمریکا می فروختند سوال شد، چرا این کتاب را اینجا می فروشی و باعث تفرقه می شوی؟ در تبریز، منصری صادق ولی تا آنکه بود جواب داد: "من می دانم بدون این کتابها چیزی نیست" "قبلاً" روزنامه انقلاب اجتماعی می فروختیم ولی این استفاده بیشتر است، اینجا را عداوتی بین داده اند که بفروشم. تو خجری من باده من این کتاب را نمی فروشم." از یکی دیگر از افراد فروشنده سوال شد این جزوات را از کجا خریداری می جواب داد: "این کتابها را برای فروش و تفرقه اختیار کرده ام برای دیدنند که کتاب داشته باشند، سپس گارتی را از جنبی بیرونی اوردولی، حسرت نشان دهم. در این روزها دیگر از آن محیط وحدت و صمیمیت کاز مبارزه" شکر

گروههای مردم برای اعلام هستی جلو سفلت می آمدند، با آن بلندگو به میان اهالی رفته تا به پناه افراشته فظفانه و کشتار علیه ما جهت را دست گرداند. آنها به این ترتیب شمارها را از سر ضد امپریالیست سخر و بر ضد سازمان حسیت میدادند. پختن شایعات مفرمانه برای تحریک مردم از طایفه داعشی این گروه بود، یک بار تابع کردند که قرار است اسم مجاهدین نیز از داخل سفلت بیرون بیاید! فافل از اینکه اسم مجاهدین از داخل سفلت بیرون می آید ولی بخاطر اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان آنها و ... یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

یکی دیگر از فعالیتها این جادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین! تحریک پاسداران مستقر در جلو سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و فراوان بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکلهای سیا و دست نشاندهگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صصانه و حسن تقاضم وجود. از این

ممكن است در آینده باز مرتجعین بفرق " ضرورت " خلع سلاح مردم بیفتند

سیاری از مدافین خلع سلاح را مات کرد. و منت محکمی بود بردهای این مرتجعین که هرگاه زمام امور را بدست گرفتند قتل از هر چیز، سرکوب و خلع سلاح ضروری انقلابی را در دستور کار قرار دادند. همانهایی که همزمان با تعیین مجازات اعدام برای انقلابیون سلاح را سرمایه داران فراری و مزدوران امپریالیسم دعوت به بازگشت به معین کرده و برای ادامه غارت و سلطه آنها زمینهای شرعی (کلاه شرعی) و گریزگاههای قانونی و غیر قانونی دست و پا میکردند.

بدیهست که همزمان با توالی این اقدامات ظاهراً بیرون (سرکوب انقلابیون و دعوت غارتگران) تضادین نیست بلکه دقیقاً لازم و ملزوم یکدیگرند.

باز نمایی ندارد که بعد از اوجگیری مبارزه ضد امپریالیسم خلق ایران، آنها لب فرو بسته و در لانه خزیدماند.

فرمان امام حنی بپشتن ارتش ۲ میلیون نفی پلان دعای مرتجعین را ملاحظه

با اینحال بخاطر عملکردهای ضد مردمی آنان توانستند واقعبیت خود را برای همیشه منکوم دارند، هم چنانکه جهرة واقعی بسیاری از این مرتجعین از پس همه اسلحه پانتهای و انقلابی نمایی هایشان آشکار شده همان جهرهائی که تنها بعد از پیروزی آنها برای سبوقبضتی از دستاوردهای انقلاب مدعی انقلاب شدند و به این دره مبتلا گشتند. ولایت درد ورنجی که صرفاً با سرکوب پستانزار راه خدا و خلق در مان میشود، نه با مبارزه بر علیه امپریالیسم و مزدوران حاکمانگاری غارتگر آنها!

بله با این درست است که فرمان سیخ امام بپلان دعای و اقدامات این جماعت را اثبات کرد اما باز هم بی نهایت نیست که مومسگری سازمان را در مورد خلع سلاح به اطلاع مردم برسانیم زیرا:

اولاً: هشاری مردم و نیروهای نزدیکوار و افزایش اراده و نتیجتاً زمینه ایگونه آوار و اقدامات ضد انقلابی را محدود می سازد، بخصوص که هیچ تشکیلی وجود ندارد که در آینده نیز دست اندرکاران کذافی مجدداً بفرق " ضرورت " خلع سلاح مردم بیفتند.

ثانیاً: اگر تا چندین پیش موضع گیری را در قبال مسئله خلع سلاح کمتر قابل بود (مداخلت در سطوحی) اما اکنون که مبارزه امپریالیسم و لزوم سیخ و آمادگی نظامی ملت روز شد، مومسگری ما از یک پشتوانه حنی و ملی بر خوردار است. بمبارت دیگر از آنجا که خلق با آشکارا خود را با دشمن اصلی روزی می بیند، پیش از پیش حفاق مربوط به مسئله خلع سلاح را لس خواهد کرد.

در شماره گذشته شماری از دردهای برادر مبارزان را بنویسیم. در نامائی نوشته بود که: سالان دراز سین ما و شای جدایی انداخته بودند. ولی اکنون بعد از پیروزی انقلاب لازم است که ما در سازه فراموشی دست در دست بگذریم در جهت نابودی کلبه سدهای امپریالیسم اقدام بنماییم. سپس مقداری از درویشهای مختلف خدمت در ارتش صحت نموده بود، نوشته بود که چگونه در دوران آموزش در آمریکا به شدیدترین وحشی بود تحقیر امپریالیسم ترار می گرفتیم و آموزشی که روزانه ۵۰ دلار برای هر نفر از مستخرج خلق مستعدی خرج می شد، آموزشی که کوچکترین نتیجه مثبتی نداشت ۱۱ هزار دلار بر ما خرج از آمریکا محمدا در اینجا آموزش می گذاشتند تا جبران مافات شود. و گفته شد آموزش را یاد بخرند؛ شما ایرانیها مزدوران برای اینست که ما وهشاه، شاهستانین می توانیم متوافق برسیم والا موجوداتان چندان نازی نبود، در وقت بدی از این بکنارتی ستشاران در ایران از طریق گرفتن انواع و اقسام امتیازات و حقوق که با بهترین افراد آنها که قتل ارتقاء تریلی بود ۲۵ هزار تومان حقوق می گرفت صحت شده بود.

از آنجا که هیچگونه رابطی جز نود با اسارت به خلقها و امیر- پالیسم نیست، مردم ما در دیپلماتش آنها انقلابیون نه تنها حق دارند مسلح و آماده باشند بلکه بتوانان یک ضرورت انقلابی، منکبی و سببیتی گریزی از آن ندارند. بخصوص بعد از فرمان تاریخی امام حنی بر سیخ نظامی مردم، مسئولین امر، بخصوص شورای انقلاب بمونان تنها مرکز تصمیم گیری و مشورتیست. موظف است بیشترین تلاش را در این زمینه بکار گیرد و نسبت به هرگونه غفلت، کم بادهای و بفراموشی سپردن این امر سرنوشته از هشیار بود و بویژه تصمیمات و اقداماتی نظیر خلع سلاح را خنثی نماید.

در همین رابطه از شورای انقلاب تقاضا می کنیم که سلاحهای سازمان را که دادستان فلی تهران (آذری قوی) بدون هیچ مجوز اسلامی و انقلابی و قانونی توقیف کرده به ما برگرداند کارنامه خردمندانه مجاهدین خلق ایران طی ۱۵ سال گذشته بهترین گواه است بر اینکه سازمان سلاحهایش را تنها در مسر تحت آزمایشهای مکتب توحید و صرفاً به سبب دشمن خلق نشانه میروند، و این افتخار را، حتی در مسکنترین آزمایشات، برای خود حفظ کرده ایم.

در پایان بایستی این نکته را خاطر نشان کنیم که، صرف نظر از تصدات انقلابی و منکبی، ما بر بدیهیترین اصول شناخته شده بشری، حق دفاع از خود را بخصوص بمونان یک سازمان انقلابی سیاسی - نظامی برای خود محفوظ می داریم، بویژه در شرایطی که همواره در تیرور و تهدیدات و توطئه های امپریالیسم و مزدوران داخلی هستیم.

بنازی به توضیح نیست که ضرورت وجود سازمانهای سیاسی - نظامی ما از آنجا که مسئله امپریالیست ها بطور همسانه در این مبین است بین نرفته، و تا آنزمان که ارتش نام عمار خلقی تشکیل نداشت، بقوت خود باقی نگاه میداشتند.

از شورای انقلاب تقاضای کنیم که سلاحهای سازمان را که دادستان قبلی تهران بدون هیچ مجوز اسلامی و انقلابی توقیف کرده بمان برگرداند.

اکنون پس از این مقدمه به بحث اصلی می پردازیم: هنوز شش ماه از قیام بهمن ماه نگذشت است که مقامات و مراجعی خواستار خلع سلاح عمومی شده اند. صرف نظر از تمام مسائلی که اول مقاله آمد و طبق آن خلع سلاح را چه سلطه مابنی شرعی و چه بلحاظ اصول انقلابی صحیح نمی دانیم لازم است جهت نکه در مورد همین اوضاع و احوال مشخص بیان کنیم.

۱- خلع سلاح مردمی که حمایت و حفظ دولت را وظیفه خود می دانند و همینطور نیروهای انقلابی و مردمی، چیزی جز تضعیف دولت بدست خودش نیست. موقتی که نیروها و مردم با دولت سر جنگ ندانند، مستحکام دست آنان باعث تقویت و استحکام دولت می گردد چرا که ما به هیچ وجه قادر به سامنت آنها نخواهیم بود. مگر در دوره شاه که عهد و نگهداری و حمل سلاح اغلب اعدام گشتند و زیر شکنجه و اهراب داشتند، کسی از اسلحه استفاده نمی کرد؟ مگر ارتش پرورشندگان اسلحه دست از کار خود برداشتند و مگر گروههای قادر به تهیه اسلحه نشدند؟ فرض کنیم دولتی بتواند حتی پیش از سواک کنترل موجود آورد مگر در اینست که موقتی که فضای سیاسی و اجتماعی طلب کند همیشه در درون ارگهای نظامی افرادی پیدا می شوند که به خواست مردم لبیک گویند؟ مگر بوفی که مردم احساس نیاز کردند در پایگاهها گنوده شدند و قیام بهمن ماه وجود انقلابی می آوری کنند امکان نهایی سلب مگر را برای خود آورده اند و با اصطلاح مسئله سیاسی خود را نیز

نامه یک همافز به نشریه مجاهد

(قسمت دوم)

کلیه تجهیزات لازم طبق معمول از توان آنها خارج بود. سرانجام خود موفق به یافتن آنها شدم. نامدتها از اینکه این جزئیات را خودخواهی وغرور از انجام ساده ترین و کوچکترین کارها اجازت، و در همین حال همواره خود را با تحمیل می کنند، شدیداً دچار ناراحتی و عذاب روحی بودم. شاید بهین دلیل بود، هنگامیکه نامدتها بنابر مشورته معمول به محض مشاهده ایرادی جزئی، تصمیم داشت دستگاه مهم و ارزشمندی را که هزارها دلار ارزش داشت، عوضی کند، از همه چیز گذشته و جلوی او ایستاده و با این نگرانی مخالفت کردم. بدور انداختن وسیله ضروری به منی خرید دوساره همان وسیله از آمریکا بود. بنا بر تجربه میباشتم، اشکال دستگاه فقط در زمانیکه از نظر فنی از دستم است که بدون کوچکترین خارجی قابل اصلاح بود. ولی وی اصرار داشت که کل دستگاه باید تعویض گردد. جرحیت شدیدی در گرفت. وی که از این مسأله و استادگی من "تصدیا" عصبانی شده بود فریاد میزد: یعنی این باید عوض شود. من نیز خوسودرمانه پاسخ میگویم: یعنی این نباید عوض شود. کار بالا رفتی و ما جزا بگوئی سرپرست گشت رسید، من از اینکه عرصه مسئولیت را یافته بودم که بر من استم پیوره حرفی که سالها خود را به من ملت نامحلی کرده بود، بیخاک عالم حاضر خدمت می نمود. من نیز خوشترانه و در جواب از ارتش بگذارم. از روی کتابهای فنی حرف خود را به نصیحت رساندم، سرپرست مذکور که با پاهای جراحی نمیدید، مجبور به پذیرفتن آن شد.

کلیه تجهیزات لازم طبق معمول از توان آنها خارج بود. سرانجام خود موفق به یافتن آنها شدم. نامدتها از اینکه این جزئیات را خودخواهی وغرور از انجام ساده ترین و کوچکترین کارها اجازت، و در همین حال همواره خود را با تحمیل می کنند، شدیداً دچار ناراحتی و عذاب روحی بودم. شاید بهین دلیل بود، هنگامیکه نامدتها بنابر مشورته معمول به محض مشاهده ایرادی جزئی، تصمیم داشت دستگاه مهم و ارزشمندی را که هزارها دلار ارزش داشت، عوضی کند، از همه چیز گذشته و جلوی او ایستاده و با این نگرانی مخالفت کردم. بدور انداختن وسیله ضروری به منی خرید دوساره همان وسیله از آمریکا بود. بنا بر تجربه میباشتم، اشکال دستگاه فقط در زمانیکه از نظر فنی از دستم است که بدون کوچکترین خارجی قابل اصلاح بود. ولی وی اصرار داشت که کل دستگاه باید تعویض گردد. جرحیت شدیدی در گرفت. وی که از این مسأله و استادگی من "تصدیا" عصبانی شده بود فریاد میزد: یعنی این باید عوض شود. من نیز خوشترانه و در جواب از ارتش بگذارم. از روی کتابهای فنی حرف خود را به نصیحت رساندم، سرپرست مذکور که با پاهای جراحی نمیدید، مجبور به پذیرفتن آن شد.

موفق به پیدا کردن راه حل تقاضا می نمود علت آنرا باید در مابیت آن جستجو کرد. روشن است که روشهای نظامی برای حل چنین مشکلاتی متنها هیچ کمکی به حل آنها نمیکند بلکه تشدید آن متشایب گردد استفاده از این روشها جز تشدید غفلت نبود و من مابین روشهای فطرتی آنهاست.

در این باره مثال گروههای چپ رونی را در نظر بگیرید که بخوانند با رژی که مورد حمایت مردم است مبارزه سلطانه بکنند. طبعی است که پشترینی نخواهند داشت. زیرا استفاده از سلاح بر علیه رژیم تهاذیب حاکم در حالی که شرایط عینی وجود ندارد و بویژه در شرایطی که سیستم مبرور پایه بر مبنی دارد، نه تنها نتیجه بخش نبوده و برای رژیم تهدید جدی به حساب نمی آید، آنها را به اسلحه حالت میبندد و اراده خلاق انسان را که بیخچ کنند و تسخیر کننده امکانات می باشد نادیده می گیرند، در واقع از توحید عدول کرده اند

بلکه پیش از هر چیز باعث انزوا و تنگت همان گروههای چپ رونی خواهد شد.

نامه یک همافز به نشریه مجاهد

(قسمت دوم)

کلیه تجهیزات لازم طبق معمول از توان آنها خارج بود. سرانجام خود موفق به یافتن آنها شدم. نامدتها از اینکه این جزئیات را خودخواهی وغرور از انجام ساده ترین و کوچکترین کارها اجازت، و در همین حال همواره خود را با تحمیل می کنند، شدیداً دچار ناراحتی و عذاب روحی بودم. شاید بهین دلیل بود، هنگامیکه نامدتها بنابر مشورته معمول به محض مشاهده ایرادی جزئی، تصمیم داشت دستگاه مهم و ارزشمندی را که هزارها دلار ارزش داشت، عوضی کند، از همه چیز گذشته و جلوی او ایستاده و با این نگرانی مخالفت کردم. بدور انداختن وسیله ضروری به منی خرید دوساره همان وسیله از آمریکا بود. بنا بر تجربه میباشتم، اشکال دستگاه فقط در زمانیکه از نظر فنی از دستم است که بدون کوچکترین خارجی قابل اصلاح بود. ولی وی اصرار داشت که کل دستگاه باید تعویض گردد. جرحیت شدیدی در گرفت. وی که از این مسأله و استادگی من "تصدیا" عصبانی شده بود فریاد میزد: یعنی این باید عوض شود. من نیز خوشترانه و در جواب از ارتش بگذارم. از روی کتابهای فنی حرف خود را به نصیحت رساندم، سرپرست مذکور که با پاهای جراحی نمیدید، مجبور به پذیرفتن آن شد.

موفق به پیدا کردن راه حل تقاضا می نمود علت آنرا باید در مابیت آن جستجو کرد. روشن است که روشهای نظامی برای حل چنین مشکلاتی متنها هیچ کمکی به حل آنها نمیکند بلکه تشدید آن متشایب گردد استفاده از این روشها جز تشدید غفلت نبود و من مابین روشهای فطرتی آنهاست.

در این باره مثال گروههای چپ رونی را در نظر بگیرید که بخوانند با رژی که مورد حمایت مردم است مبارزه سلطانه بکنند. طبعی است که پشترینی نخواهند داشت. زیرا استفاده از سلاح بر علیه رژیم تهاذیب حاکم در حالی که شرایط عینی وجود ندارد و بویژه در شرایطی که سیستم مبرور پایه بر مبنی دارد، نه تنها نتیجه بخش نبوده و برای رژیم تهدید جدی به حساب نمی آید، آنها را به اسلحه حالت میبندد و اراده خلاق انسان را که بیخچ کنند و تسخیر کننده امکانات می باشد نادیده می گیرند، در واقع از توحید عدول کرده اند

بلکه پیش از هر چیز باعث انزوا و تنگت همان گروههای چپ رونی خواهد شد.

نامه یک همافز به نشریه مجاهد

(قسمت دوم)

کلیه تجهیزات لازم طبق معمول از توان آنها خارج بود. سرانجام خود موفق به یافتن آنها شدم. نامدتها از اینکه این جزئیات را خودخواهی وغرور از انجام ساده ترین و کوچکترین کارها اجازت، و در همین حال همواره خود را با تحمیل می کنند، شدیداً دچار ناراحتی و عذاب روحی بودم. شاید بهین دلیل بود، هنگامیکه نامدتها بنابر مشورته معمول به محض مشاهده ایرادی جزئی، تصمیم داشت دستگاه مهم و ارزشمندی را که هزارها دلار ارزش داشت، عوضی کند، از همه چیز گذشته و جلوی او ایستاده و با این نگرانی مخالفت کردم. بدور انداختن وسیله ضروری به منی خرید دوساره همان وسیله از آمریکا بود. بنا بر تجربه میباشتم، اشکال دستگاه فقط در زمانیکه از نظر فنی از دستم است که بدون کوچکترین خارجی قابل اصلاح بود. ولی وی اصرار داشت که کل دستگاه باید تعویض گردد. جرحیت شدیدی در گرفت. وی که از این مسأله و استادگی من "تصدیا" عصبانی شده بود فریاد میزد: یعنی این باید عوض شود. من نیز خوشترانه و در جواب از ارتش بگذارم. از روی کتابهای فنی حرف خود را به نصیحت رساندم، سرپرست مذکور که با پاهای جراحی نمیدید، مجبور به پذیرفتن آن شد.

موفق به پیدا کردن راه حل تقاضا می نمود علت آنرا باید در مابیت آن جستجو کرد. روشن است که روشهای نظامی برای حل چنین مشکلاتی متنها هیچ کمکی به حل آنها نمیکند بلکه تشدید آن متشایب گردد استفاده از این روشها جز تشدید غفلت نبود و من مابین روشهای فطرتی آنهاست.

در این باره مثال گروههای چپ رونی را در نظر بگیرید که بخوانند با رژی که مورد حمایت مردم است مبارزه سلطانه بکنند. طبعی است که پشترینی نخواهند داشت. زیرا استفاده از سلاح بر علیه رژیم تهاذیب حاکم در حالی که شرایط عینی وجود ندارد و بویژه در شرایطی که سیستم مبرور پایه بر مبنی دارد، نه تنها نتیجه بخش نبوده و برای رژیم تهدید جدی به حساب نمی آید، آنها را به اسلحه حالت میبندد و اراده خلاق انسان را که بیخچ کنند و تسخیر کننده امکانات می باشد نادیده می گیرند، در واقع از توحید عدول کرده اند

بلکه پیش از هر چیز باعث انزوا و تنگت همان گروههای چپ رونی خواهد شد.

پرتوی از زیارت عاشورا

مخصوصاً اینکه این رهبری موجد و موجدگرایانند. چرا که از نهایت تطابق تکاملی باحکمت و سرنوشت اجتنامی انسان حکایت می‌کند و چنین است که آرزوی می‌کنیم: "اللهم اجعلنی عندهک وجهیاً بالمحسین علیه السلام فی الدنيا والاخره".

ای امامدالله هبنا که من بزدیگی می‌جویم بحاجت خدا و جانب رسولت و جانب امیرالمومنین و جانب مافوق و جانب حسن و علی خاتم تو. یا اهلای دوستی و پیوستگی ستو و سزای و نفرت از آنها که اساس ستم را می‌سازد کردند و از آنها که بر آن بنیاد، بنیادی زبرند و در ظلم و جور ناشی از آن زور رتند. بر علیه خود و بر علیه پسرانشان.

اگر اراد از داد و وصل عاطفی مهر و کین نماند، اگر چه فکوراها همچنان سرد و خاموش، هم چون سنگ و پنج قافی خاموشی مانند.

انسان شایسته نوبدی چنین بی‌آورد که "میلگرد" انسانی صفا و صفا برخاسته کاهی او ایسته نیست چه با افرادی که بر ستمی کاهند اما نه بر ستمورند و نه بر می‌سزیند.

انسان شایسته نیست که نماند، اگر چه فکوراها همچنان سرد و خاموش ماند، هم چون سنگ و پنج قافی خاموشی مانند.

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره بقیه رزمه ۴

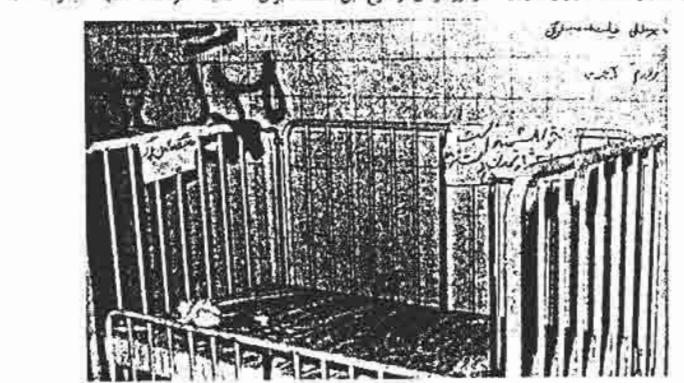
هجومهای اخیر پاسداران به اعضاء و ساختمان مجاهدین خلق

جهانخواهر دریغ نمود، و منجمله از همان ساعت اول تعداد کثیری از اعضاء و پاسداران سازمان مجاهدین خلق جاسوسخانه امریکا حاضر بوده و بجا جان خیزین هرگونه تشریفات و مشکلات چه مشکلات ظهیری از قبیل سرما و سخاوسی و چه ناراحتی‌هایی که عناصر ارتجاعی و راستگرایان سیا و امریکا برایشان ایجاد می‌کردند، این کانون مبارزه ضدامپریالیستی را گرم نگذاشته‌اند. در همین خط و از زمانی که متعاقباً تهدیدهای امریکا برادران آزادشوی مستقر در جاسوسخانه هشدار دادند، پاسداران و اعضاء نیز بی‌تاریخی خود را جهت تسبیح و آبدامگی نظامی شام مردم و ارتش بیست ملیونی ایران فرودستند سازمان نیز به شام اعزام و راستگرایان آبدامگی داده و باساج هرگونه وظیفاتی در این

نمایشگاه تمدن بزرگ آریامهری!!

رزم شاه حتی از کشت و کشتار بیماران بروی تختهای بیمارستان هم ابایی نداشت.

رزم شاه حتی از کشت و کشتار بیماران بروی تختهای بیمارستان نیز خودداری نکرد. سال گذشته در ۲۲ آذرماه، هم زمان با شکل‌گیری مبارزات ضددیکتاتور بر روی علبه شاه خاشاک که هر روز اوج بیشتری می‌یافت. نظاره‌های ملیونی مردم رزم آریامهر جلاد را به شک آوردن بود که در نتیجه هزاران نفر از



جای شهدا خالی

انتفاخ‌گیری از پرتکان به بیمارستان حمله کرده و عده‌ای از پرتکان و پرستان ساز بیمارستان را مجروح می‌نمایند. آنها وحشی‌گری به همین جا خاتمه نداده بلکه به بخش اطفاخ نیز بر سر دیوارها تیراندازی می‌نمایند. مجروحان بیمارستان به ضرب و جرح بیمارانه پرداختند. حتی داخل قسمتی که اطفاخ بستری بودند گردیده و هیبتلر وار حتی سرها را از دست



نشان دست به ساز نرزمی

فرزندان رشید این آب و خاک را در واقع چمه سیاه و ... پخت و جخون کشاند.

پرتکان و پرستان و کارمندان رزمنده و مبارز بیمارستان امام رضا (شاهزاده‌های سابق) شهید در اعتراض به بورژوازی و کشت و کشتارهای رزم جلاد دست به یک اعتصاب و تحصن زدند که از جانب افشار و طبقات کونکاش میزد نیز مورد حمایت قرار

گرفتند و برخورد مسئولانه یکی از فرماندهان سپاه صبح چهارشنبه آرد می شوند.

آری چنین است واکنشی که بعضی از عناصر تحت عنوان پاسداران و کمیته‌ها در برابر اقدامات ضد امپریالیستی ما نشان دادند و اینک اظهار داشته‌اند که شش نفر از اعضای خنثی‌راک مجزبه به سرراهی فلیت‌دار بودند دستگیر گردانند و یک ساک مواد منفجره نیز که همراه آن گروه بوده میان جمعیت پرتاب شده‌است! آیا اینست نتیجه چهل‌روز تحمل سرما و بی‌خوابی و فشارهای دیگر که اعضا و وابستگان سازمان ما در جلوی جاسوسخانه امریکا تحمل کرده‌اند؟ آیا این درست است که کسی که خود را مسلمان متعهد و پاسدار انقلاب می‌داند چنین برخورد غیرمسئولانه و تحریک‌آمیز بکند؟ تازه جای شرکت باقی است که یکی از فرماندهان سپاه نمایندگی دادند و دستگیر شدند. عضو سازمان مجاهدین خلق هستند یا نه. مسأله‌ای است که در بازجویی معلوم می‌شود.

ما از مسئولین امر تقاضای می‌کنیم که هر چه زودتر این افراد را معرفی کنند تا تسبیحی شود هر که در اوضاع باشد. و بالاخره آقایان پاسدار که ساختمان حمله کرده‌بودند، اظهار داشته‌اند که: "نفر از اعضای جنش را هم دیدیم که از پشت دیوار ساختمان پایش بریزند و متواری شدند." ولایت آقایان فراموش کرده‌اند که در آن شرایط که پشت پامها توسط پاسدارهای مسلح شام شده بود، و پاسداران ما مسئولین این بوده

و دشمن حلقه‌های سبزی سرخیزد و اعلام جنگ کند. این جنگ تا آنجا عالمی و ملی است که دشمن را در تعامشش و در درک طیف و حیطه آثار او در نظر بگیرد. کما اینکه امروز کافی نیست که گوئیم دشمن اصلی را شناختیم. یعنی باید دشمنان دشمن و دشمنان دشمن و دوستان هر یک از این صفوف نیز شناسایی داده‌شوند. والا بدون این شناسایی‌ها و صف‌بندی‌های دقیق چگونه می‌توان بطور کامل در روزی حسی تسلیم گردید...

و انبیا اصولی است که چه در حبه داخلی و چه در حبه خارجی و صحنه سن‌الطالی باستی انکدا برافات نبود. و در این صورت است که باستی خدا را حصول چنین شناختی باستی شاکا باشم: **بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ اَكْرَمَ السَّمٰوٰتِ وَ اَرْضِیْنَ بِعَرْشِهِمْ وَ عَرَفَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ اَنْ یُّشَقَّ لَیْ عِبَادِهِمْ عَذَابٌ اَلَمٌ**

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ اَكْرَمَ السَّمٰوٰتِ وَ اَرْضِیْنَ بِعَرْشِهِمْ وَ عَرَفَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ اَنْ یُّشَقَّ لَیْ عِبَادِهِمْ عَذَابٌ اَلَمٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ اَكْرَمَ السَّمٰوٰتِ وَ اَرْضِیْنَ بِعَرْشِهِمْ وَ عَرَفَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ اَنْ یُّشَقَّ لَیْ عِبَادِهِمْ عَذَابٌ اَلَمٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ اَكْرَمَ السَّمٰوٰتِ وَ اَرْضِیْنَ بِعَرْشِهِمْ وَ عَرَفَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ اَنْ یُّشَقَّ لَیْ عِبَادِهِمْ عَذَابٌ اَلَمٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ اَكْرَمَ السَّمٰوٰتِ وَ اَرْضِیْنَ بِعَرْشِهِمْ وَ عَرَفَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ اَنْ یُّشَقَّ لَیْ عِبَادِهِمْ عَذَابٌ اَلَمٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ اَكْرَمَ السَّمٰوٰتِ وَ اَرْضِیْنَ بِعَرْشِهِمْ وَ عَرَفَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ اَنْ یُّشَقَّ لَیْ عِبَادِهِمْ عَذَابٌ اَلَمٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ اَكْرَمَ السَّمٰوٰتِ وَ اَرْضِیْنَ بِعَرْشِهِمْ وَ عَرَفَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ الْاَوَّلَیْنَ وَ الْاٰخِرَیْنَ وَ اَنْ یُّشَقَّ لَیْ عِبَادِهِمْ عَذَابٌ اَلَمٌ

حکومت نظامی: مبارزه‌ای بی‌حضور توده‌ها

بهانه دین فیلم حکومت نظامی

فیلم در زمینه و فضای سیاسی حاکم بر ارتکوب ساخته می‌شود. صحنه بالگرد و سهم برنده ویدئو در آغاز یک روز بر تحرک با جمهور پلین و نظامیان و نیروهای نظامی تصویر گویای آرایه‌ها و پیچیدگی یک حرکت سیاسی - نظامی است. این حرکت با ورود به نگر آغاز می‌شود، و بعدت ثوابت‌اشتی خاص یکی از پرده‌شدگان در نیمه راه رها می‌شود، و صد یکی دیگر یعنی مأمور سازمان عمران منطقه ای آمریکا در ارتکوب، توسط پلیس کشف می‌شود. این حرکت سیاسی - نظامی انبساط خاصی خود را روی تمامی افکار و نیروها گذاشته و آنها را مجبور به واکنش میکند. در پارلمانی که حسد الحصول فریادتی است خناپنهای مختلف شروع به موشکگری می‌کنند. زانها، مناسر فاشیت و کسانی که تا کنو اشتهاان راست‌اند و انتخار هم می‌کنند اشتهاان کسانی که سرگزردانشان هم در افعال لفتشان سوزگن برپوشان باران آمریکا می‌روندند خواهان شدت عمل و سرکوب شدن و عدم اعتقاد در مقابل به اصلاح مردم انگاران و عناصری هستند که با یاد از آنها نام برد... لبرائیلی موریکی مطلق ممول و سنت پنداشده‌ای که خصمه دانشان است فرصت را منتقم کرده و شروع به به اصلاح افشارکی کرده و از شکمه‌ها و فارتها شکم می‌کوبند. در واقع هدف آنها روی کردن دست امیرالیم و در نهایت قطع وابستگی‌ها نیست. کاکار چنین بود چانی در جان پارلمانی نداشتند بلکه آنان خواهان سقوط دولت هستند دولت باید استعفا دهد... و روشی است که در چنین شرایطی خود را نیروی مستحق‌حکومت بعد از دولت حاکم می‌بیند. رزای تشکیل کابینه - به رزم آنها طی - هر قدر هم که با حسن نظر و خیرخواهی همراه باشد در فراموشی خود در تمام ارگانه‌های دولتی و نظامی و پلیسی نفوذ کرده بنده‌اند. آنها سنها در خواب می‌سپند! این دولت باحکوم به شکست است با طی کردن همان خطوط رزم گذشته و هیچ راه دیگری هم وجود ندارد. حداقل، تجربه‌مردمان در همین سال اول انقلاب این ساله را بخوبی روشن کرده است. دولت حاکم در مقابل عمل چریکها ابتدا کوتاه می‌ماند با

لااقتلانی از این قیل انجام میدهد. چه فرینه گویاتری را مادر ایران خود نوشته‌ام. نوشته‌ام جاسوسخانه آمریکا و سپ مستشاران و به اصلاح نظامیان و نیروهای نظامی امضای گویای آرایه‌ها و پیچیدگی یک حرکت سیاسی - نظامی است. این حرکت با ورود به نگر آغاز می‌شود، و بعدت ثوابت‌اشتی خاص یکی از پرده‌شدگان در نیمه راه رها می‌شود، و صد یکی دیگر یعنی مأمور سازمان عمران منطقه ای آمریکا در ارتکوب، توسط پلیس کشف می‌شود. این حرکت سیاسی - نظامی انبساط خاصی خود را روی تمامی افکار و نیروها گذاشته و آنها را مجبور به واکنش میکند. در پارلمانی که حسد الحصول فریادتی است خناپنهای مختلف شروع به موشکگری می‌کنند. زانها، مناسر فاشیت و کسانی که تا کنو اشتهاان راست‌اند و انتخار هم می‌کنند اشتهاان کسانی که سرگزردانشان هم در افعال لفتشان سوزگن برپوشان باران آمریکا می‌روندند خواهان شدت عمل و سرکوب شدن و عدم اعتقاد در مقابل به اصلاح مردم انگاران و عناصری هستند که با یاد از آنها نام برد... لبرائیلی موریکی مطلق ممول و سنت پنداشده‌ای که خصمه دانشان است فرصت را منتقم کرده و شروع به به اصلاح افشارکی کرده و از شکمه‌ها و فارتها شکم می‌کوبند. در واقع هدف آنها روی کردن دست امیرالیم و در نهایت قطع وابستگی‌ها نیست. کاکار چنین بود چانی در جان پارلمانی نداشتند بلکه آنان خواهان سقوط دولت هستند دولت باید استعفا دهد... و روشی است که در چنین شرایطی خود را نیروی مستحق‌حکومت فاشیستی نظامی ارائه میدهد در حد یک بافی باقی ماندند. کار آنها فقط پارسی انبساط - ولی آنها راستی سخاات یک حرکت فاشیستی همین مدعاست؟ از همه گذشته چه تأثیری این حکومت نظامی روی مردم می‌گذارد. ماهیت دولت را بهتر نس می‌کنند؟ به چریک‌ها بدین می‌شنوند؟ از عمل چریکها پشتیبانی میکنند؟ هیچک از آنها را ما در فیلم نمی‌بینیم. این خود بزرگترین شکست است که بدون توده‌ها کاری نتوان کرد. و دقیقاً در همین رابطه است که مناسرهای چریکی نقاط قوت مبارزات قهرمانان چریکی انقلابیون آمریکایی لاتین بوده‌است.

سروودی در ستایش ستاره‌های سرخ خلق

بمناسبت سالگرد شهادت مجاهد شهید حسن ابراری و مجاهد شهید زهرا گودرزی

هزاره از آن اشتران یاد باد
بر آن پیشتران پیگرا خلق
بر آن اشتران سرگه خوست
فردو و سیاس و ستایش سرخ
جوانان رزمنده راه خلق
به دشت دل و جان مبارزند
ز قران همه مغز برداشند
از ایشان کلام خدا جان گرفت
ره بود، از رزشان تازه شد
کلام علی، و رضاشان به کار
نایبند، از ظلمت راه بران حق
سر آمده از راهت این انقلاب
از ایشان شهادت شد آئین ما
مسجد که سالار این راه بود
چه گویم از آن شاداران خلق
وای ناگزیرم ز نامی دگر
گلی سرخ دارم کنون پیش روی
همی چه مراش سرخ چون آفتاب
نگاهش پر از راز و رمز و وفات
ز بس رنج، اندام خویش نثار
روانشیر از زجر و دریا برد
که چون شد که با زبیرای یاد
چشمه خوربان خلق برباد رفت
بها جان آئین سرخ راه راست
همان زجر ماند و همان کارگر
به دهقان شد آزاد از بردگی
به آزادگان عرصه ها تنگ شد

دل عاشق سرخ گل زار بود
فرومی چکید از تنش تازه خون

بدو گفتیم: ای شعر آزادی
تو در دل / هر هان آگیند
کنون پیشتران بیدار خلق
چو دریا به جنبش بر بادماند
درفش بر بر فرزندماند
کنون جنبش خلق ایران به جاست
به خون تو سوخت تا زنده‌ایم
جهان را به توحید میمان کنیم
دگر کارگر برده گار نیست
دگر بزرگ خود بود خویش
همه همچنان هم، خورند و روند

ای مجاهد راهت جاودان
تو خلق ایران بود پشتوان



زندگی‌نامه مجاهد شهید زهرا گودرزی

نوری شکسته با فروغی مضاعف

از سپیده‌گردانی، سپیده‌مکزی شدیدا احتجاب می‌کرد بطوریکه برخی از او آرزو می‌شدند. در دفترهای نوشته‌بود انقلابی ساینگر نیست اول باید منطق خودنمایی را از خود نیکند تا آزاد شود، تا بتواند عمل کند. او بحق خودنمایی را با قدرت عقبه انقلابی و با تواضع و محبت مردمی، در خود شکفته بود. اعتقادش به مبارزه مسلحانه بمناوان اصولی‌ترین شیوه حل تضاد با امپریالیزم جهانی‌خور. از درک عمیق سیاسی ناشی می‌شد. یکجا نوشتند: "هر ایرانی و گروهی، شکل مبارزه‌ای را که انتخاب می‌کند براساس ذوق و سلیقه و انتخاب شخص خودش تعیین نگردد. شکل مبارزه براساس شرایط و اوضاع و احوال و محتاجا و ارزیابی قدرت‌ها و جنبه‌مکزی دشمن انتخاب می‌شود. ماهیت ددشمن امپریالیزم را که جز با مبارزه فیرا می‌ز از میدان بدرستی رود بخوبی شناخته بود. در دفترچه یادداشتش می‌نویسد: "وخت امپریالیزم از مبارزه سلحشانه است و تمام شکل عویش گردن‌ها هم بخاطر این بردن این جبهه از مبارزات فرسایشی و دوری و نزدیکی با نیروها و عناصر، موضع‌گرفتن در مقابل این دشمن اصلی بود. همین جهت اپدولوژی انقلابی اسلام را نه در شکل و ظاهر بلکه در عمق و محتوی می‌چست. در یادداشت‌هایش

چهار پیام تاریخی "امام"

شجاعت و صراحت دو مشخصه بارز امام خمینی است. امام در تمام طول زندگانش، در تمام فراز و نشیب‌های مبارزات سیاسی‌اش و حتی در تمام برخورداری‌های عمومی و فردیش تاکنون این دو خصلت اصلی را دارا بوده است. بنام ماورم در سالهای ۴۰ تنها امام خمینی بود که با شخصیت و صراحت تمام در مقابل رژیم منحوس سلطنتی موضع گرفت. سید ماورم که چگونه باعث شد امام در نظر ماییت مویان سازشکار به تندروی و در نظرنگرفتن شرایط عصر می‌شد. و بنام ماورم که به راههای نورانگر امام در خلال مبارزات ضد دیکتاتوری یکی دوال گذشته چه وحشتی برای رژیم و محافظه‌کارانی که بیشتر دلشان برای رژیم مسروخت تا مردم ایجاد کرد. امام بارها در فرازهای حساس تاریخ سیاسی ماسر کشورمان با یک رهنمود با پیام، فصل جدیدی را برای مبارزه خلقان کوه‌دست، و اکنون و در این برهه زمانی با کشایش جدید رویو هشتم، انتقال جاسوس‌خانه آمریکا و ستعفا آن پیام امام خمینی، در واقع آغاز مبارزه جدیدیت که بنظر ما باید با استقلال مدافعتا گلبه متناسر آگاه و سازمانیابی انقلابی و شریتی زنده گردد. ایرانیان مجاهدین خلق امیرا! جبار پیام مهم و تاریخی امام را در مجموعه‌های گردآوری و چاپ کرده‌است. این پیامها ترتیب مناسبت از: سخنان امام خمینی خطاب به نماینده ویژه پاپ در قم، پیام به خواهران و برادران کرد، سخنان امام خطاب به پاسداران در قم، پیام به توریان امنیت فریادتی در تمامی این مجموعه علاوه بر صراحت و شجاعت هشیگی امام برخورد تواضعانه و صادقانه ایشان به نورو چشمگیری جلب نظر میکند. در پیام خطاب به خواهران و برادران کرد آمده است: خواهران و برادران هم سبب فر سراسر کشور. در دست خود را به پیش شما دراز میکنم و از شما می‌خواهم خدا و اسلام و کشور ما را برای نجات که تمام توان خود را برای نجات کشورتان بکار برید. و اسلحه‌های سرد و گرم، یعنی ظلم و ستم و مسلسل را از نشانه‌گیری به روی یکدیگر سرف و در سوی دشمن‌های انسانیت که در رأس آن آمریکا است نشان دهید. آن حادار که کلیه هموطنان مبارز با هر طرز فکر و اندیشه‌های آزما و بارها این گلستا قطع، منلو از احساس سولت و تواضعانه را بخوانند و با چنگ زدن به راه‌های خلق مستند به‌مان راه هوار کنند.

نوحه

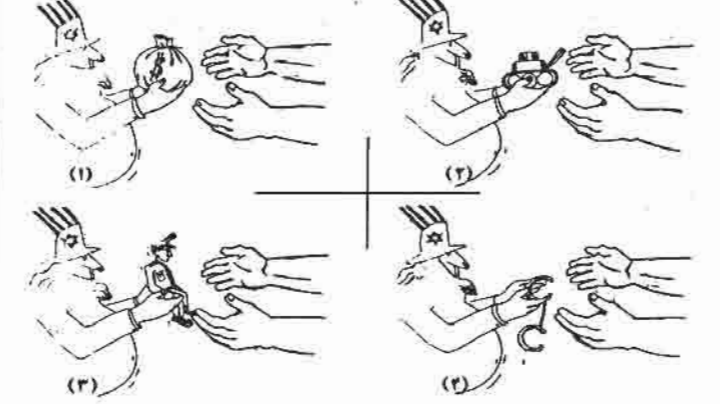
بقیارصفحه ۱۱

نی‌نویسد: "کنش را از بردی ناسلمان بگریزد اما از خیرمویان سوابی هرگز، چرا که آنکه بدین نراد به می‌نزدیکت است از آنکه هشیکی من است و همراه دشمن... آن که شکست نه تنها نیست بلکه آنرا در برخوردی صحیح و انقلابی، مایه رشد و گلال می‌دهد. خودش یک بار نوشته بود: "شکست نوره فروغی را مغاند میکند." ایسوس که زهرای پرایند، شکفته بریر شد. بشنور یک ماموریت سازمانی بخارج از کشور اعزام شد و هنوز چند ماهی از ازشان‌ها را که انتخاب می‌کند نگفته‌بود که طی یک حادثه دردناک به شهادت رسید. زهرای این درای بی‌قرار استعداد و توان، مانند در این فرس سلسهای دشمنی و خطر حیات بخش باروت، در فضای بر نشاط و خشن تندجد حیات یک ملت زندگی کند. آخر او خود نوشته بود که در فرای سلسهای وحشی زنده‌ام... ای بوی خوش باروت فضای کوهساران که معطر کن... اگرچه زهرا آنکز ولی هزاران خواهر و برادر اولسحه او را برداشته و در فضای بر نشاط و در فرس سلسهای دشمنی و خطر حیات بخش باروت که خود ایجاد کرده‌بود، زندگی کردند.

پادش گرامی و روانش تاد.

اگر کارگردانی بود است درست‌ی از هشی چریکی نداشته باشد، علیرغم داشتن حسن نیت، مبارزه انقلابیون جان برکف را مخدوش خواهد کرد

نشانه‌های او بوده‌ها بود؟ در فیلم از خیل گرسگان از روستای آوارهای که برای لقمه‌ای چند، در راه‌ها و گودها، با بدترین وضع ممکن به زندگی‌سازش عویشی ایامه می‌کنند چرخه‌چرخگی دیگر خبری نیست. این صرف این محور زندگی نوع آمریکایی، برای کشورهایی چون ارتکوب اثری نمی‌بینم از بودی فرطوشی او ادگن و جاروی برقی او را دود و ترانزیستوری اثری نیست، از بوژواری دلالت و وابسته، این بل فارت و جپاول شد انسانی چه‌راهی جز در پارلمان مات می‌شود. از نظامو سیستم حاکم بر ازشان‌ها از این نوع حرفی رده شده است. کارگردان از بزرگ‌ترین شکست، بی کت نشان دهد با چه زوایاها و شاره‌های، خلق بزرگ را به امید واهی "صنعتی شدن" و رسیدن به تمدن‌های بزرگ، به جلود کشاندند.



مجاهد شهید محمد حسن ابزاری رزمنده‌های ازتبار شهدای خلق

(قسمت آخر)

تولد: ۱۳۱۸ دیماه
شهادت: ۱۴ آذر ۱۳۵۵



مجاهد شهید حسن ابزاری

و خودش چه خوب باین رهنمون عمل کرد. وقتی حسن را دستگیر کردند از وی قرار سایرین را خواستند. او نیز مأمورین را سر فراری قلابی در خیابان‌هاش می‌برد. بعد از مدتی که مأمورین را سرگردان و خسته از این کجوه به آن کجوه و خیابان برده گفت: "دروغ گفتم و گفتم هیچ چیز نبود". گمانی که طعم گندمیای کیمت و زندانهای آریامهری را خنجه‌مانند می‌بینند که این عمل از نظر بازوجها چه عقوبت وحشتناکی بدنبال دارد.

سازندگان کمانی که در هنگام بازجویی اظهار بی اطلاعی کرده و حتی قسم هم می‌خورند که چیزی ندانند، اما از سر آنها بر نماندند، اما اینکه مأمورین را به محلی دروغین برده و بعد هم رسماً کتبی که حداقل گنم، گناه گنمهای است که حداقل جزای آن اعتبارش شکنجه انتقام جوانانه است، و همین طور هم شد. حسن را به گنمته برگردانند. در این راه خنجه را شروع کردند تا محل رسیدند. در طبقه هم یک کیمته حوضی است که ستانها بی میزند. عمر هنگام بود که حسن از فرار و بازوجها، متفر و بیوز و بازوجها شکست خورده و تحقیر شده. بازوجها می‌خواستند با قسم تصفیه حساب کنند بنابراین بلافاصله گروه او را دور جمع شده و مرتب سر او را زیر آب کرده و تا حد خفگی گنمیدانند و سپس در می‌آورند و دوباره "در زیره ... آنها میخواستند حسن را به قات و

حسن در اردیبهشت ۱۳۱۸ در جهرم دنیا آمد. بعد از دریافت دیپلم متوسطه، در روستای دوان کاروبار به آموزش عالی پرداخت و بعد از آن مدتی نیز در کاروبار، زندگی و تاسوس با روستائیان و مشاهده وضع نابسامان آنان ضرورت مبارزه ستادین برای سازماندهی رژیم وابسته به امپریالیسم را در اندیشه وی مطرح ساخت.

سال ۴۴ - ۴۴ با مجاهد شهید سعید محسن که در آن هنگام دوران سربازی را در جهرم می‌گذراند آشنا شد. بعدها این آشنایی وی را به تهران آورد و سرانجام عضویت وی در سازمان مجاهدین خلق در سال ۴۸ انجامید. و بدینگونه سر راه خود را پیدا کرد. در جریان سربزه گزیده اول شهریور ۵۰، ساواکه به اسناد و مدارک دسترس پیدا کرد که در اثر آن نام تعدادی از برادران و منجمله حسن برای اولین مشخص شد و در نتیجه حسن زندگی مخفی و مبارزه‌ی حرفه‌ای خود را از شهریور ۵۰ شروع کرد.

در این شماره در ادامه زندگی وی می‌خوانیم:

من برای تحمل محرومیت ضرورم

بعد چند لحظه‌ای پیش مادر من نشست و از رفتن ما او صحبت کرد و از او خواست که برای موفق شدن دعا کند. مادر من گفت: "اینکه نیت دعا کنی که زود برگردم. زن بگیرم و عروسی کنم، نه. دعا کن که زود به این انتخابی که متناقضانه باشی میروم موفق شوم." مادر مقداری نشت نانیو حرفهایش فرار گرفت ولی شوخ به گریه کردن، حسن که هیچگاه تحمل دیدن اکت مادر را نداشت چند لحظه‌ای از خبر نشت نانیو گفت: "مگر تو نبودى که همیشه از زندگی و رنج محرومیت و از دستگاران برام تعريف سنگردى؟! و از اینکه فلان فلان مسابه مجبور بودى محاط لطفه نانی که به بهمان سنده، مسائل زندگی را زود بزور حورها گروگان بگذارى، آه زواله می‌کنند و همه می‌خورند! ... من برای نجات ایام میروم. مهم تر از این محبتنا مادرم گفت: "مهم تر از جدا میبارم."

او همه روبروی من کرد و پدر هم دعای سفر برایش خواند و رفت. و این آخرین دیدار ما با او بود و دیگر او را ندیدیم.

بله حسن رفت. رفت تا بدریا می‌رسد. رفت تا هزار ماهبهای سیاه کوچولو خلاف جریان شنا کند. رفت تا مرغ ماهیخوار را از پای درآورد. رفت تا بزرگردد ولی نه در لباس عروسی که در قامت بلند شهادت. بعد از شهریور ۵۰، حسن نیز هزاره ماه برادران به تلاش برای نجات سازمان از شراب تلخ برداشت. سازمان مجاهدین خلق ایران با "ضرورت اجتماعی و تاریخی و نیز با جنبه‌های سختیای بسیار از جانب اعدا" خود نوانست استحکام خود را باز یابد. بعد از آن بود که مرحله نهم نظامی ما شروع شد. که حسن نیز در چند عمل نظامی شرکت کرد. از جمله در مبعذ گزاری فرشته پایی و انتقام ناشیهای پلیس در خیابان قلمستان و نیز در کشائى نخل شامیهای امفهان. این مرکز نخل جاسوسان و مستشاران امریکایی ... دست داشت بعد از مدتی حسن مشاوتیای با استعداد سازمان را به عهده گرفت و در این راه هزاره با مجاهد شهید فاطمه امینی قائلانه عمل میکرد.

در طول زندگی مخفی که حدود ۴ سال و نیم طول کشید، حسن توانست با هشدار بسیار از دامهای متعدد مأمورین فرار کند. او توانست خود را با بازیگری محمل و پوششهای مناسب، خود را با محیطهای متفاوت تطبیق دهد. و با این دلیل آزادانه در شهر حرکت میکرد. زمانی بصورت دوره‌گرد و دستفروش لباس فقیرانه میپوشید و کاهی هم به تاسیب حیلههای بورژوازی نرد لباس شیک.

اما همه اینها بخشی از شخصیت حسن بود. آنچه که بوی اصیبت و ارزش والا می‌دهد. روحیه و ایمان خلل ناپذیرش به خدا و پیروی خلق بود. بدینچنین اینها بود که از وی یک "مجاهد خلق" میساخت.

بعد از شروع زندگی مخفی ویس از اوج‌گیری عملیات سازمان، مردوران با کار شهادت را همانا کن و یا دیگر به

که خالی و سرد بود میرفت، او سرما را تحمل می‌کرد تا مزاحم سایرین نشود. هر چه کم‌کم با برادران او به وی اصرار میکردند که در اتاق بخوابد باز قبول نمیکرد. ...

برادر دیگری نقل میکند: "بخطری مرضی هائی که داشت دکتر بند تجویز کرده بود که او انار و لیمو شیرین بخورد تا دمل‌ها خوب شود. ... در آن موقع هنوز ملاقاتها خیلی محدود و میوه خیلی کم بود. بطوریکه بعضی اوقات یک میوه ۴-۵ قسمت میکردند. اما طبق تصمیم "جمع" برای میسرایی اشتنا" خود داشت و آنها بی‌بسیاسی تقویت شوند. در این رابطه بود که به حسن هم روزی یک انار و دو لیمو شیرین داده میشد. اما از خوردن اشتنا مغز و میسکت وقتی که می‌بینم سایرین نمیتوانند میوه بخورند نمف مستنمان. ... در او این بود که به میزادگاه نظامی فرستاده شد. در دادگاه اول به حسن اید محکوم شد. در همانند دو دادگاه او را به کیمته بردند. منوچهری، جلد کیمته، از او خواست که ندامت بنویسد، اما او "که عاشق شهادت بود به نندی با وی سخن گفت. منوچهری هم به او قول داد "که در دادگاه دوم اعدام می‌گردد". حسن نیز اینها میدانست.

روزی که برای دادگاه دوم میرفت داد و بخندان بود، مثل همیشه در حالیکه قریب ۵ سال زندگی محلی و مبارزه‌ی ایمان و همتاشنا سخت را تحمل کرده بود، شنید که تا آنجا که قادر نبود در اثر زخمهای عمیق و مفلک آن روزی با راه بود و بنام جزای حرکت از گف دستها و بان استفاده میکرد. در حالیکه بیماری قدش شدید شده بود. و پوستهای دستش روم کرده بود. ضربات وارده و سر و سر. و آثار و زلزلات درون میسکتها و تلاق توپان او را گنمته شده بود. اما باطنش را هرگز: کجاست پرتان رژیم شاه میخواستند با اعدام وی تمام کنند. قدم و خند خود را خالی کرد. این بود که در دادگاه دوم به اعدام محکوم گردید و دیگر به "سد" باز نگشت. رها و آزاد شد. او رفت. همانگونه که هیچ احد از شهروان یا مادرش دخاطفاتی کرده بود. آخرین دخاطفاتی شروع شد، بعضی از جمعا قبول کردند و در دو طرف راهرو بند ۴ اوین به انتظار می‌ایستادند. حسن جلوی آمد و وداع میکرد. و خندان میرفت. آخرین خاطره از حسن گوازه عشق او به شهادت است:

او که به دلالت امینی بعد از ۵ سال ۵۰ سبیلش را میترشید. مدتی بعد دوباره سبیل گذاشت. بعد از میخواست با هیبت اولش دیدار خدا برود. یکی از برادران به شوخی به او گفت: "حسن! روز آخری سبیل گذاشتی؟! ... است (۱)"

صف‌های تک‌صف‌طولانی است. مهم جزو هفتان صف‌هستم. ... روزنامه‌ها در ۱۴ روز نوشتند: سبهد دم امروز. ... محمد حسن ابزاری شهیدان.

او رفت تا نغمه‌ساز سرودی شود رعد و درختی بوی آرایش به روی رسد او رفت تا باز گردد. چون فرزندى خلف با "پدر" باز گردد. در فریاد کیمته و نقرت موم خشکین و خورش میسکتها آنها بازگردد. در مقاومت‌های مبارزانه مردم قهرمان جهرم. در بیس و راهی باز گردد. چه روز هم باز گشت. در راهای نوشت: "صفا با یک صف طولانی است. ضمیم جز" همان صف هتم تعدادی بعضی اشتنا خود را پس گذاشت و موفق شدند. دعا کنید تا من هم موفق شوم. ...

خواهرم او را می‌شناخت می‌شناخت کس در این تقاضای هتم، چه میبوسم و چه میخورم و محل خوابم کجاست. مهم این باشد که چه کسانى راه بردا داند! میسکتند. ... بخون پاکت که راه تو به رهرو نماند. بعد از این نیز نخواهد ماند. ... ۱ - سبیل اشتناهای آگه در ترمین های نیز اشتناى به آن شلیک می‌کنند

از تو می‌خواهم که مرا دعا کنی تا خداوند شهادت را نصیب کند. ... در نامه‌ها گفتارش به خانواده و اطرافیان همیشه درس تحمل و بردباری میداد و بحق که خودش نمونه بود. می‌گفت:

"هیچوقت از مشکلات ترسید، همیشه با مشکلات جنگیدی و مباره کنید تا بر آنها غلبه کنید. ... خود او این مقاومت و بردباری را چه در دوران اولیه زندگی محلی و چه در زمانی که جریان انحرافی (ایسورونیستی) بسرازماسان مسلط شده و میسکت سیرات سازمان را به تاراج برد و چه در کشکجه‌های کیمته و اوین و چه در صیجگاه میدان نیز از دست نداد. ... در آخرین نامه، در مهر ۵۴ بعد از ضربه ایسورونیستی نوشت:

"سال گذشته خیلی بر ما سخت گذشت، یکپایه در بایل بود و یک پایم در تهران. البته من با آغوش باز به سراغ سختی‌های بیروم. تا انسان در زندگی سختی کشد به گمان نمیرسد. ... بخانواده‌هاش میگفت: "تا حاشی که برایتان مقدور است قناعت کنید تا دیگری هم برسند"

خصال انقلابی

در زندان هم که بود روحیه ایثار و گفتش وی نمونه بود. مژدوی خاطره زیر را از وی نقل میکند: "وقتی حسن را بعد از ۴ ماه شکنجه و بازجویی از افرادی کیمته به ۲۵۴ اوین آوردند بدین بر از دل‌های جرتی بود. این دملها در اثر زخمهای و عفونتهای مختلف بوجود میامد. آنتی بیوتیکها هم نمیتوانستند آنها را از بین ببرد و اوقات تا یکسال بعد هم برادران بدان دچار بودند. حسن نیز بدین به شدت جرت کرده بود، و خود این دملها مانع از آن بود که وی بتواند راحت بخوابد. اگر در جواب کوچکترین حرکتی میکرد، فشار بدن بر دملها باعث درد شدید شده بود. وی را به سختی می‌آورد حسن که در اتاق ۲ بند ۲ اوین زندی میکرد و شیا نیز می‌بایستی در همان اتاق بخوابد. اما وی بخاطر اینکه صدای آه و ناله‌اش باعث ناراحتی سایر برادران نشود به اتاق عمومی آخر رفت

برنجران می‌گرداند. ارباها به تهرها و روستاهای عقب مانده و فقر سفر می‌کرد و از نزدیک با سفره فقرشان می‌نشت. برای کودکان و نوجوانان کود شین و روستایی آموزش می‌گذاشت. به آنان می‌گفت که فقر و خاک نشی استان در نتیجه غارت کای نیشانی استارگر و اربانان امپریالیستان است. بعد از آن می‌گفت که همه دنیا به این شکل نمی‌باشد، بلاخره کاهی بهمت برنجران فرمی‌بریزد و کوچ نشینان آزاد می‌شوند!

بچه‌های معلول و پرورشگاهی، حیوانات باغ وحش نیستند یک عشت بچه‌نوس و پولدار بیاندو

از این پس بهرا، مامجه دردناک جهان طبقاتی. جهان ستم و مالوس در عصور حس می‌کرد بطور شتم بدیدار کودکان معلول و بیروزگاری می‌رفت و درستان صحت می‌کرد. وقتی یکی از دوستانش او را پیششاد کرد که بچه‌های مدرسی شمال تهر را برای بازید به پرورشگه یا کانون بچه‌های معلول ببرد، گفت: "بچه‌های معلول و بیروزگاری، حیوانات پولدار نیستند که بکش. چه سوس پولدار نمایند و نمانیستان کنند. مشاهده کردم زنده‌ها او را در حرکتنا طاقیر می‌کرد. مطالعه منظم، حاشه‌گردی، کوهپوری و برنامه های خودسازی و رشد کارهای تاکتیکی، شرکت در محافل تفریحی و ... سرانجام کارش قرار گرفته بود، اما اینهاهمه اشتناهای کنایهای تفریحی و تفریحی است. در این کسانى که با آنها سروکار داشت بخش می‌کرد. در محیط دانشگاه در مقابل عوامل وابسته رژیم استادگی می‌کرد، متعلا در برخورد با کارگران و رستمکشان دانشگاه بسیار متواضع و فروتن بود. وقتی روزی از کارابوری فرستاده شد از همان لحظه ورد به کلاس، درس و برنامه از شروع کرد

بخدی در کارش منظم بود که در بسیاری مواقع دوستان سردیکن

یاد مجاهد شهید زهر اگردری را که می‌بداریم

نوری شکسته با فروغی مضاعف

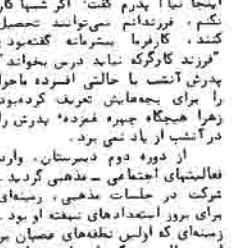
"مادر فریاد مسلسلهای وحشی زنده‌ایم. ..."

ای بوی خوش باروت فضای کوهساران را معطر کن...

اینجا بیا پدرم گفت: کار شیا کار نکم. فرستادم سنی‌خواند تحصیل کنند. کاربریا سترمانه گفتند: "فرزند کارگر که نباید درس بخواند" پدرش آنتس تا حالتی افسرده ماجرا را برای بچه‌هایش تریب کردید. زهرایا هیچگاه جیره نموده، پدرش را در آنتب از یاد می‌برد.

از دوره دوم دبیرستان، وارد فعالیتهاى اجتماعی می‌شدم. می‌دیدم که شرکت در جلسات مذهبی، رستهای برای برود استعدادهای نیتف او بود. رستهای که اوین تنظیمهای عصیان بر این نظام سترگ اجتماعی را در اعتقاد او می‌نشانید. از نلم کیمته و روابط اولیه اجتماعی آزرد می‌شد و فکر بوجود آوردن طرحی نرد تلاش میکرد. امولا در هر کاری نوجوش می‌کرد. می‌گفت: "نگارها" برایش ملاقات و بود و همواره اقباشی نور می‌جست. به همین دلیل خیلی زود از مذهب سنتی و شاکل‌گرا اسلام، بدنبال درگی بونا و ستم از اسلام، به مطالعه پرداخت. آنجا که در سسر این مطالعات می‌یابست بی‌تابانه به دیگران می‌رساند، در خارج از تهران و در شهرهای اطراف جلسات سخنرانی و تفسیر قرآن گذاشته بود و به نظام ستمی می‌گفت: "بچه‌های ستم‌نظم سرمایه‌داری، حاکم بر جامعه را سنان را درهم شکسته و به آنان آموزش برابرا انسانیتان را بازنشانده. برای تمام هرجه بیشتر با نودمهای محروم و تحت ستم، پس از پایان دوره دبیرستان مدتی به کارگری پرداخت و سپس در رشته "مددکاری اجتماعی" نشت نام کرد.

نفست زیادی از وقتش را در جوب شهر، در میان واقع‌نشینان و



آذین خاوری

"آذین خاوری، ای زنی قشنگ الله رؤفا خستنا و ای الله که تیر خاوری را زینت (۵۸)

مجاهد شهید زهرایا کودری در سال ۱۳۳۰ در یک خانواده نسبتا فقیر متولد شد. پدرش کارگر قنادی بود. نظام وابسته طبقاتی، از همان کودکی بر رخ و کیمته را در دل او گذاشت. خاطره تلخ این رخ هیچ گاه از ذهن او پاک نمی‌شد. می‌گفت: "پدرم روزی به ساعت بر یک کارگاه قنادی کار می‌کرد. بخاطر تحصیل کدکاشی مجبور بود تنها هم برای قنادی دیگری کار کند. همین علت رورها همیشه خسته بود. کارفرما که نروجه کار شانه پدرم و پایشان آمدن باردهش شده بود به او اصرار می‌کرد که با کار شهادت را همانا کن و یا دیگر به

